

بر معماری ایران چه گذشت

مهدیار اشتیاق

بر همه ما واضح است که با ورود اسلام به ایران، تغییر و تحول چشمگیری در برخی از عرصه‌ها مانند کشورداری، اقتصاد و ...

ایجاد شده است. یکی از این تغییرات، تحولات در معماری ایرانی بود. جایی که با ورود اسلام، معماری ایرانی - اسلامی به

وجود آمد و خوش درخشید. «نفوذ نقش‌ها، طرح‌ها و معماری اسلامی - ایرانی در بناها و عمارت‌های غربی در یکی - دو

دهه گذشته چنان زیاد است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه را به خود جلب کرده» (گرگانی، امیرحسین، ص

۶۸) همچنین «معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی

است» (گرگانی، امیرحسین، ص ۶۸)

ضمناً با توجه به این که «اثرهای معماری به عنوان نمادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک کشور شناخته می‌شوند»

(گرگانی، امیرحسین، ص ۶۹) خوب است که از این تأثیرگذاری مطلع گردیم و این تغییرات را بررسی کنیم «تمدن‌های

تاریخی نخست از طریق همین آثار معماری شناخته می‌شوند» (گرگانی، امیرحسین، ص ۶۹)

بنابراین در مقاله به تأثیرگذاری اسلام در معماری ایرانی، به خصوص در مدارس، مساجد و مقابر پرداخته‌ایم و آنها

را مورد بررسی قرار داده‌ایم.



معماری چیست؟

در لغت، «معماری یا مہرازی، یعنی ارائه بہترین راہ حل، چہ استفادہ از راہ حل ہای گذشتہ، چہ خلق راہ حل جدید برای رسیدن بہ ہر ہدفی» (گرگانی، امیرحسین، ص ۶۹) امروزہ معماری بہ عنوان «هنر و دانش طراحی بناہا و سایر ساختارہای کالبدی» (گرگانی، امیرحسین، ص ۶۹) شناختہ می شود. بہ عبارت دیگر «معماری هنر و علم طراحی ساختمان ہا و دیگر سازہای فیزیکی است. یک تعریف گستردہ تر اغلب شامل طراحی کل محیط ساختہ شدہ از سطح کلان شہر سازی، طراحی شہری و منظر تا سطح خرد جزئیات یعنی ساخت و ساز و گاہی مبلمان است.» (دہقان، رضا)

تاریخچہ معماری ایرانی

ابتدا بد نیست کہ با بررسی کوتاہ تاریخچہ اولیہ معماری ایران شروع کنیم. معماری در ابتدا بسیار سادہ بودہ است. «آجرکاری بناہای ساسانیان بسیار سادہ و بدون تزیین صورت می گرفت» (آندرو پیترسون، ص ۳۴)، «با ورود الگوہای ہندسہ پیچیدہ و کتیبہ الگو تزیین ساختمان در دوران سلجوقی بہ اوج خود رسید» (آندرو پیترسون، ص ۳۴)

در ایران باستان، خصوصاً در دوران سلجوقیان رنگ آبی فیروزہ در بناہا زیاد بہ کار گرفتہ می شد «در دوران سلجوقیان تزیین ساختمان ہا با آجرہای لعابی و کاشی سرامیک رنگی صورت می گرفت و رنگ

مورد علاقه این دوران فیروزه‌ای، آبی کم‌رنگ و آبی سیر بود» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) «... استفاده از رنگ‌های شاد آبی و سبز در این اماکن اغلب معماران و هنرمندان را در سراسر جهان به سوی خود جلب و آنها را وادار به تقلید هنر و سبک معماری اسلامی می‌کند» (گرگانی، امیرحسین، ص ۶۸) البته با گذر زمان رنگ‌های دیگر نیز به روی کار آمدند «در دوران تیموریان رنگ‌های جدیدی شامل سبز، زرد و اخراپی مورد استفاده قرار گرفت» همچنین در دوران صفویه، کاشی‌کاری و تزیین پیشرفت چشمگیر و محسوسی داشت.

با همه این داستان‌ها، سنگ‌کاری در ایران بسیار کم بود «حجاری در ایران به دلیل عدم وجود سنت بنایی سنگ، نسبت به کشورهای شرق مدیترانه کمتر یافت می‌شد» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) و «نبود سنگ تراشی در ایران منجر به توسعه هنر گچ‌کاری گردید» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) با گذر زمان گچ‌کاری در ایران پیشرفت کرد و «از این هنر به خصوص در تزیین محراب‌ها استفاده گردید» (آندرو پیترسون، ص ۳۴)



ویژگی‌های معماری اسلامی

معماری اسلامی ویژگی‌های منحصر به فرد زیادی دارد. مثلاً «از ویژگی‌های مهم معماری اسلامی،

تزئینات آن است» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۰) یا «یکی دیگر از ویژگی‌های بارز معماری اسلامی آن است

که توحید را در خود می‌پروراند» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۰)

معماری ایرانی – اسلامی

ویژگی‌های منحصر به فرد معماری اسلامی و تاریخچه عظیم معماری ایرانی و ترکیب این دو با هم سبک

جدید موفقی را به نام معماری ایرانی – اسلامی به وجود آوردند که بسیار فراگیر و جذاب بود. «در آثار

فرهنگی و هنری ایرانی اسلامی، شاهد حضور اندیشه‌های عرفانی (حکمت) و تنوع صور آن نیز هستیم»

(گرگانی، امیرحسین، ص ۷۰)

امیرحسین گرگانی به چند مورد از اصول و عناصر معماری ایرانی – اسلامی به صورت عام اشاره می‌کند:

۱- سیر از کثرت به وحدت ۲- عامل مربع و تبدیل آن به دایره ۳- استفاده هنرمند از نور و آب

۶- خودپسندی

۵- مردم‌واری

۴- پرهیز از بیهودگی

«اولین مساجد ایرانیان، ساختمان‌هایی بودند که محراب آنها در جنوب غربی حیاطی قرار داشت

که سه طرفش را طاق‌هایی احاطه کرده بودند» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) شاید اکنون بپرسید که با

تجهیزات آن زمان مساجد مختلف قدیمی مانند مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، مسجد نصیرالملک شیراز

و ... چگونه این قدر عظیم ساخته می‌شده است. «مساجد ایرانیان ستون‌های آجری یا چوبی داشتند که

سقف را تحمل می‌کردند» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) جالب است بدانید که این همه مساجدی که به عنوان

جاذبه گردشگری در کشور ما وجود دارد، تنها بخشی از مساجد قدمت دار ایران است «... متأسفانه تنها

تعداد کمی از این مساجد کشف شده‌اند...» (آندرو پیترسون، ص ۳۴) آندرو پیترسون همچنین در مورد

مصالح مورد استفاده در مساجد قدیمی می‌گوید: «دیوارهای این ابنیه [مساجد] در ابتدا از خشت خام

یا سنگ‌های نتراشیده‌ای که با گچ تزیین شده بودند ساخته شده بود» (آندرو پیترسون، ص ۳۴)



با گذر زمان، شکل و شمایل مساجد نیز تغییراتی به همراه داشت «فرم جدیدی از مساجد در

قرن ۱۱ مظاهر شد که میان چهار ایوان بنا می‌شد. از دوران سلجوقی به بعد طرح چهار ایوانه شکل

استاندارد مساجد شد و پیشرفت‌های بعدی نیز در همین محدوده رخ داد» (نصرتی، مسعود، ص ۳۴ و

۳۵) نمونه‌هایی از این طرح را می‌توان در مساجدی مانند مسجد جامع اصفهان، مسجد گوهرشاد

مشهد و مسجد امام تهران دید. البته این طرح جدید نقایص و معایبی را نیز به همراه خود داشت

«مشکل طرح چهار ایوانه کم جلوه بودن جهت محراب بود» (آندرو پیترسون، ص ۳۵)

به همین دلیل نیاز به سبک جدیدی در ساختار مساجد حس می‌شد که در دوران مظفریه این اتفاق

افتاد «در این دوران [مظفریه] ابداعاتی در ارتباط با معماری مساجد صورت گرفت که در مجموع به سبک

«مظفریه» معروف شدند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این سبک استفاده از قوس‌های متقاطع بزرگ بود که

گنبدهای استوانه‌های متقاطع را نگه می‌داشت» (آندرو پیترسون، ص ۳۵) یکی از نمونه‌های مهم مساجد سبک

مظفریه، مسجد مظفریه تبریز (مسجد کبود) است. «مسجد مظفریه تبریز با تنوع و ظرافت کاشی‌کاری و انواع

خطوط به‌کاررفته در آن و به‌ویژه به دلیل رنگ لاجوردی کاشی‌کاری‌های معرق آن به «فیروزه اسلام» شهرت یافته

است.» (صاحب دیوان) «مزیت روش جدید [مظفریه] این بود که می‌توان قسمت‌های بزرگی را بدون استفاده

از ستون‌های داخلی پوشاند» (آندرو پیترسون، ص ۳۵)

«بعد از مسجد، مهم‌ترین بنای عمومی از ساختمان‌های درون شهری مدرسه است» (گرگانی،

امیرحسین، ص ۷۲) این اهمیت به دلیل آن بود که «مدرسه، پاسخ به نیازهای معینی از جامعه اسلامی بود» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۲)

جالب است بدانید که «در ابتدا محل آموزش، مساجد بود» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۲) اما با گذر زمان، دیگر مساجد به عنوان محل آموزش و یادگیری شناخته نمی‌شدند؛ بلکه «فضاهای آموزشی در ایران در واقع شامل مکتب‌خانه و مدرسه بوده است» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۲) البته مکتب‌خانه‌ها مشخصات خاصی نداشته‌اند «مکتب‌خانه مکان خاصی نداشته است» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۲) اما مدارس به سبک خاص و مشخصی ساخته می‌شدند «داخل مدارس حیاطی سرسبز با حجره‌های و ایوان‌هایی در اطراف بوده است ... حجره‌ها را که سهم قابل‌ملاحظه و چه بسا عمده‌ترین نقش را در شکل‌گیری فضای مدارس نسبت به سایر فضاها داشت، می‌توان مهم‌ترین واحد ویژه معماری مدارس به شمار آورد» (گرگانی، امیرحسین، ص ۷۲) نمونه این مدارس حجره‌ای را می‌توان در مدرسه غیاثیه در خرگرد (یکی از روستاهای افغانستان امروزی)، مدرسه خان شیراز، مدرسه چهارباغ اصفهان و ... دید.

مدارس در ایران آن قدر چشمگیر بودند که توجه هر بازرگان یا مسافری را به خود جلب می‌کردند

«سیاحانی که در دوره صفویه در ایران اقامت داشتند از تعداد بسیار مدرسه‌ها سخن گفته‌اند» (گرگانی،

امیرحسین، ص ۷۳)

مقابر

از حمله تیمور به ایران، ساخت‌وساز در غرب ایران رونق گرفت. «سلسله‌ی قره قویونلو که مرکز آن

در تبریز بود وضعیت ساخت‌وساز در غرب ایران را بهبود بخشید» (آندرو پیترسون، ص ۳۵) این رونق

سبب ایجاد مقابر و آرامگاه‌های زیادی گردید که آثار آن تا امروز هم مشاهده می‌شود «در آرامگاه‌های

جدید [معاصر] دو گونه بنای متداول و مشخص وجود دارد که می‌توان آنها را «آرامگاه‌های گنبدی» و

«مقابر برجی» نام نهاد» (آندرو پیترسون، ص ۳۶) در ادامه به بررسی این دو نوع بنا می‌پردازیم.

«مقابر برجی معمولاً برای حاکمان و شاهزادگان برجسته محلی ساخته می‌شدند و شاید ادامه

سنتی بودند که ایرانیان پیش از اسلام می‌کردند» (نصرتی، مسعود، ص ۳۶) یکی از اولین و معروف‌ترین

این مقابر برجی، «گنبد قابوس» در شهر گنبد کاووس است که بین سال‌های ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ ساخته شده.

نمونه‌های دیگر این مقابر برجی شامل برج علاءالدوله در ورامین، برج قربان همدان و ... می‌شود.

آرامگاه‌های گنبد دار احتمالاً ابتدایی‌ترین شکل آرامگاه‌ها هستند و می‌توان اثر آنها را در

ساختمان‌هایی نظیر «قلبه السبیه» [در سامرا] یافت (آندرو پیترسون، ص ۳۶) با گذر زمان سبک‌های متفاوتی در ساختار آرامگاه‌های گنبد دار رایج شد. سبک گنبد دو پوسته‌ای در دوره ایلخانان و سبک گنبد پیازی در دوره تیموریان نمونه‌هایی از این ساختارهای متفاوت هستند.

نابودی بناهای قدیمی

«متأسفانه بیشتر بناهای غیرمذهبی نظیر که مربوط به گذشته‌های دور می‌وند تخریب شده و تنها نمونه‌های چندی قبل از دوران صفویه باقی‌مانده» (آندرو پیترسون، ص ۳۶)

این موضوع خصوصاً در کاخ‌ها قابل‌مشاهده است. برای مثال کاخ «عالی قاپور» از معدود کاخ‌های باقی‌مانده است و از اکثر کاخ‌های تاریخی چیزی جز خرابه نمانده. این تخریب‌ها می‌تواند دلایل متعددی داشته باشند. جنگ یا بلاهای طبیعی از عوامل مهم این اتفاق و تخریب‌ها است.

